

دزدان هنوز شناسایی نشده‌اند

حمله ۴ مردنقابدار به خانه اعیانی مادر و دخترانش

چهار دزد نقابدار به خانه اعیانی مادر و دو دختر در زعفرانیه دستبرد میلیاردری زدند و گریختند اما پلیس نتوانست ردی از آنها بدست بیاورد.

سرابدار ساختمان که همراه دزدان وارد خانه شده بود در دادگاه به عنوان سرکرده باند سرقت از خود دفاع کرد و مدعی شد بی‌گناه است.

سرقت میلیاردری

رسیدگی به این پرونده از آبان ماه سال گذشته آغاز شد. دختری هراسان با پلیس تماس گرفت و از چهار مرد نقابدار که به خانه آنها در زعفرانیه دستبرد زده بودند، شکایت کرد.

این دختر گفت: من به همراه مادر و خواهرم به تنهایی در آپارتمانی در زعفرانیه زندگی می‌کنیم. هر روز ساعت ۷ غروب سرابدار مقابل در آپارتمان می‌آید و زباله‌ها را جمع می‌کند. امروز وقتی ساعت ۷ غروب در آپارتمان را زدند در را باز کردم.

چون فکر می‌کردم سرابدار است، اما همان موقع چهار مرد نقابدار به همراه سرابدار وارد خانه شدند. آنها که اسلحه همراه داشتند با تهدید، همه پول و طلاهایم را سرقت کردند و گریختند. با این تماس مأموران به خانه مادر و دختر رفتند و به بررسی پرداختند.

شواهد نشان می‌داد طلاهایی که به سرقت رفته ارزش میلیاردری داشته است. مأموران در نخستین گام از بررسی‌ها به بازجویی از سرابدار جوان پرداختند اما عادل مدعی شد دزدان زنی شناخت و با تهدید آنها مقابل خانه مادر و دو دختر رفته و از ترس جانسک سکوت کرده و با آنها درگیر نشده است.

از آنجا که دزدان نقاب به صورت داشتند مأموران نتوانستند اطلاعات خوبی از آنها بدست بیاورند. به این ترتیب و در حالی که ردی از دزدان مسلح بدست نیامده بود برای عادل به اتهام سرکردگی باند سرقت کبیرخواست صادر شد و وی در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

در دادگاه

در ابتدای جلسه یکی از دخترها برخاست و به تشریح شکایتش پرداخت. وی گفت: ما در طبقه دوم آپارتمان ساکن هستیم. وقتی ساعت ۷ غروب زنگ در به صدا درآمد، در را باز کردم، چون فکر می‌کردم سرابدار برای جمع‌آوری زباله‌ها آمده است اما همان لحظه یک نفر که پوتین به پا داشت پایش را لای در گذاشت و همان موقع سه مرد نقابدار دیگر وارد خانه‌مان شدند. عادل نیز همراه آنها بود. آنها اسلحه را روی سرمان گذاشتند و من و خواهر و مادرم را تهدید به مرگ کردند. اتاق خواب رفتند و ۲۰ دقیقه بعد با پول مادرم به آنها گفت پول و طلاهایمان را می‌گیرد؟

دختر جوان در پاسخ گفت: او دست به سینه گوشه‌ای ایستاده بود و کاری انجام نمی‌داد، اما من از او شاکی نیستم. من برای چهار دزد فراری اشد مجازات می‌خواهم، اما نمی‌دانم عادل نیز با آنها همراه بوده یا نه؟ به همین خاطر تصمیم‌گیری درباره گناهکار بودن یا نبودن عادل را به دادگاه می‌سپارم.

سپس مادر وی رویه‌روی قضات ایستاد و گفت: طلاهای سرقت شده حاصل ۵۰ سال زحمت من و همسرم بود. آنها آتقدر ارزش داشتند که حالا می‌توانستم در زعفرانیه با آن یک آپارتمان بخرم. اما دزدان، آنها را بردند. این زن ادامه داد: دزدان، من و دو دخترم را تک‌تک زدند، ولی عادل هیچ دفاعی از ما نکرد. او فقط نظاره‌گر بود. من نمی‌دانم او واقعاً با دزدان همدست بوده یا نه و نمی‌خواهم اگر بی‌گناه بوده است بی‌دلیل مجازات شود. به همین خاطر تصمیم‌گیری درباره او را به دادگاه می‌سپارم.

سپس وکیل سومین شاکی به دفاع پرداخت و گفت: موکلم به سفر خارج



داخل خانه نیز حتی یکی از دزدان مقابل در ایستاده بود و من نمی‌توانستم فرار کنم، اما وقتی آنها نقشه‌شان را اجرا کردند و گریختند بلافاصله پیش مدیر ساختمان رفتم و ماجرا را به او گفتم

سپس وکیل وی به دفاع ایستاد و گفت: به نظر می‌رسد عادل همدستی با دزدان نداشته و برای اینکه جان ساکنین به خطر نافتد باید در دزدان درگیر نشده است چون دزدان مسلح بودند و در صورت درگیری ممکن بود شخصی آسیب ببیند. به نظر می‌رسد دزدان آشنا بوده‌اند، چون از محل نگهداری پول و طلاها اطلاع دقیق داشته‌اند. موکلم بی‌گناه است و تقاضا دارم از اتهامش تبرئه شود. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

شکست، اما در پلیس آگاهی حرقم را قبول نکردند چون می‌گفتند خونی در دهانم جاری نشده است. دندان من مصنوعی بود به همین خاطر خونی از دهانم جاری نشد. باور کنید من بی‌گناه هستم و در این ماجرا دستي نداشتم. من بی‌دلیل بازداشت شده‌ام.

حوادث ویژه

بازداشت عامل توهین به مقدسات و قومیت‌ها در بوشهر



جانشین فرمانده انتظامی استان بوشهر از دستگیری فردی به اتهام توهین به قومیت‌ها و مذاهب در شهر بوشهر خبر داد. سرهنگ «سهام صالحی» در تشریح جزئیات این خبر بیان داشت: برابر مصدق صورت گرفته توسط سازمان اطلاعات انتظامی استان مشخص شد فردی به‌هویت معلوم در فضای مجازی اقدام به ایجاد محتوای تفرقه افکنی بین قومیت‌ها و مذاهب در کشور می‌کند. لذا موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران قرار گرفت. وی افزود: با اقدامات اطلاعاتی و سایبری صورت گرفته منتهم در آدرس و مخفیگاه مورد نظر شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه با هماهنگی مرجع قضایی در شهر عالی‌شهر دستگیر و به مقر انتظامی فرستاده شد. جانشین فرمانده انتظامی استان بوشهر با بیان اینکه در تحقیقات پلیسی منتهم با توجه به مستندات به بزه انتسابی و ارتباط با شبکه‌های معاند و افراد ساکن کشورهای ترکیه، عراق، رژیم صهیونیستی و عربستان معترف شد، گفت: منتهم جهت سیر مراحل بعدی به مرجع قضایی معرفی که با قرار وثیقه مناسب روانه زندان مرکزی بوشهر شد.

تصادف مرگبار، عروسی را عزا کرد

باز هم یکی از اشتباهات در جوامعی مکان‌های عمومی در استان کهگیلویه و بویراحمد این بار در شهرستان بهمنی موجب بروز حادثه منجر به مرگ شد. رئیس اورژانس ۱۱۵ شهرستان بهمنی از تصادف منجر به فوت یک نفر در این شهرستان خبر داد و گفت: ساعت ۲۲ چهارشنبه ماجرای حادثه تصادف به مرکز فوریت‌های اورژانس ۱۱۵ اعلام شد. علی‌العالمی با اشاره به اینکه بلافاصله تیم اورژانس ۱۱۵ شهرستان به محل اعزام شدند گفت: در این حادثه که در حد فاصل سه راهی گچ بلند و تالار ماغربه لیکک رخ داد به‌رغم تلاش تیم اورژانس ۱۱۵ و کادر درمانی متأسفانه یک نفر جان خود را از دست داد. رئیس اورژانس ۱۱۵ شهرستان بهمنی با اشاره به اینکه تالار در حال برگزاری جشن عروسی بود، افزود: متأسفانه به علت برخورد یک دستگاه سواری زانتیا با عابر پیاده کودک ۷ ساله، کودک در این حادثه جان باخت. العالی با اشاره به اینکه جشن عروسی به عزا تبدیل شد گفت: متأسفانه تالار ماغربه بهمنی در مکان نامناسبی واقع شده است و روشنایی مناسبی در آن مکان هم وجود ندارد و باید در این خصوص فکر اساسی شود و مسئولان مربوطه اقدام کنند. از این دست مکان‌های عمومی در استان کهگیلویه و بویراحمد که در نقاط نامناسب و نادرست جوامعی شده کم نیستند، برای مثال بجز تالار ماغری می‌توان به پلیس راه یاسوج- شیراز اشاره کرد که درست در منتهی‌الیه پیچ و شیب خطرناک تنگ کناره قرار گرفته و هر لحظه امکان دارد که تصادف مرگبار دیگری مانند جمعه خونین یاسوج در آن نقطه اتفاق افتد.

وحشت در بیمارستان

با شلیک‌های خونین در منوجان

بنا بر اعلام رئیس دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در یک بیمارستان استان کرمان با سلاح شکاری تیراندازی شد و ۳ مرد هدف قرار گرفتند. بامداد پنجشنبه در بیمارستان شهرستان منوجان در جنوب کرمان تیراندازی شده است که رئیس علوم پزشکی جیرفت ضمن تأیید این حادثه گفت که ۳ نفر در این رویداد مجروح شده‌اند. علی اصغر خیرخواه رئیس دانشگاه علوم پزشکی جیرفت توضیح داد: فردی چاقو خورده به بیمارستان آورده می‌شود که طرفین نزاع هم به بیمارستان می‌آیند و یکی از آنان با سلاح شکاری اقدام به تیراندازی می‌کند و ۳ نفر از قسمت با مصدوم شدند. وی اظهار کرد: بعد از درگیری در داخل بیمارستان فردی که اقدام به تیراندازی کرده بود و سایر عاملان نزاع از محل متواری شدند. خیرخواه در پاسخ به اینکه با توجه به بالا بودن درگیری‌های مسلحانه در جنوب استان چه تدابیری در این زمینه داشته‌اید گفت: پیشتر با قراردادهایی که داشتیم پلیس فقط یک سر باز را مستقر می‌کرد که او هم با توجه به موقعیتی که دارد و همچنین نداشتن آموزش مناسب در مواجهه با چنین شرایطی زیاد ورود نمی‌کرد و در عمل مؤثر نبود، به همین دلیل و با توجه به هزینه‌های مالی که متحمل می‌شدیم دیگر قراردادهای را تمدید نکردیم. خیرخواه ادامه داد: پلیس حضور خود را مشمول قرارداد و دریافت هزینه‌هایی می‌کند که امیدواریم در شورای تأمین تصمیمی برای استقرار آنها بدون دریافت هزینه گرفته شود. رئیس بیمارستان منوجان نیز در مصاحبه با یکی از رسانه‌های محلی از دیر رسیدن مأموران انتظامی در این رویداد گلایه کرده بود.

بازداشت مأمور قلابی مسلح در شهری

مرد جوانی که با معرفی خود به عنوان مأمور از مردم زورگیری می‌کرد در عملیات پلیسی دستگیر شد. سرهنگ محمد قاسم طرهانی رئیس پلیس شهری گفت: تیرماه امسال چند فقره سرقت توسط مرد میانسانی که خود را مأمور به شهروندان معرفی کرده بود، به کلانتری ۱۷۲ پلیس پیشگیری این شهرستان اعلام و بلافاصله مأموران کلانتری شناسایی این فرد را در دستور کار قرار دادند. وی افزود: تحقیقات میدانی مأموران نشان می‌داد، مردی حدود ۴۰ ساله ابتدا سوژه‌های خود را شناسایی می‌کرده و سپس به بهانه اینکه آنان مواد مخدر مصرف و حمل کرده‌اند با جعل عنوان پلیس از این افراد سرقت می‌کرده است. فرمانده انتظامی شهرستان در این خصوص گفت: در ادامه تیم اطلاعات کلانتری حرم حضرت عبدالعظیم(ع) با پایس تصاویر به دست آمده و استفاده از بانک اطلاعاتی مجرمان در ۱۹ تیرماه امسال هویت و مخفیگاه منتهم را در اطراف شهری شناسایی کردند. طرهانی تصریح کرد: عوامل کلانتری پس از دریافت این اطلاعات مهم، با هماهنگی‌های لازم با مرجع قضایی روز گذشته راهی مخفیگاه منتهم شدند و وی را در یک عملیات منسجم دستگیر کردند. فرمانده انتظامی شهری در پایان با بیان اینکه تجهیزات نظامی تقلبی از مخفیگاه وی کشف و منتهم پس از انتقال به مقر پلیس به جرم ارتكابی معترف شد خاطرنشان کرد: تاکنون ۶ مالباخته شناسایی شده و منتهم با تکمیل پرونده در اختیار مراجع قضایی قرار گرفت.



سرنوشت مادری که قدرش را ندانستند

خودسوزی زن سرطانی

در تنهایی تلخ

از وقتی سرطان جانم را گرفت و فرزندانم مرا رها کردند، من ماندم با درد بی‌درمان؛ دردی که فقط خودم می‌کشیدم. نه دیگر توان کار داشتم و نه پولی برای هزینه. تصمیم گرفتم با خودسوزی به زندگی پردرد و رنجم پایان بدهم وقتی کسی کمک نکرد.

خودسوزی یک زن

زن ۵۰ ساله که ظاهرش شکسته‌تر از سبش نشان می‌داد، زمانی که قصد سوزاندن خود را مقابل ساختمان یک ارگان شهری داشت، با تلاش واحد مددکاری نجات پیدا کرد. او وقتی به دایره مشاوره آمد، با چشمانی گریان و فریاد که چرا نگذاشتند خودم را بکشتم، روی صندلی نشست. دستانش می‌لرزید و مدام با رورسری‌اش، اشک‌هایش را که مجال صحبت به او نمی‌داد، پاک می‌کرد.

طلاق از شوهرم

مدت ۱۰ سال است از همسرم به دلیل بی‌مسئولیتی وی جدا شدم و برای تأمین معاش خودم و دو فرزندم مشغول نگهداری از سالمندان و کودکان بودم. فرزندانم که یکی دختر و یکی پسر هستند، بیشتر اوقات نزد من بودند و هرچه می‌خواستند برایشان می‌خریدم و همه تلاشم را می‌کردم که از من راضی باشند.

سرطانی شدم

کم‌کم شرایط کاری‌ام طوری بود که نمی‌توانستم

به خانه بپایم و باید برای نگهداری در خانه کسی دیگری می‌ماندم و هفته‌ای یکبار می‌آمدم به خانه و با این حال هر چه کار می‌کردم به بچه‌هایم می‌دادم تا اینکه برای پسرم زن گرفتم و هر چه داشتم، برایش خرج کردم. ولی پسرم دیگر به من سر نمی‌زد. بعد از مدتی متوجه شدم توده‌ای در سینم‌ام شکل گرفته که دکتر گفت سرطان است. چون برای درمان می‌رفتم و به خاطر عمل جراحی که شدم، توان کار کردن نداشتم. هر کدام به نحوی مرا از کار جواب کردند و خانه‌نشین شدم. از آنجایی که اجاره‌نشین بودم، برای تأمین هزینه‌های درمان مجبور شدم پول پیشی را هم که داشتم، خرج کنم و از آنجایی که گریه‌خانه را پرداخت نکردم، پول پیش هم تمام شد و صاحبخانه هم عذر خواست.

تنها ماندم

همه جا رفتم که شاید کسی کمک کند ولی هیچ تأثیری نداشت و برای اینکه شبی درمانی می‌شوم و نتوانستم‌ام مواد غذایی مغذی بخورم، بنیامم تحلیل رفته و حتی فرزندانم به من سر نمی‌زدند. با اینکه می‌دانستند عمل جراحی شده‌ام و نمی‌توانم برای خودم غذا درست کنم، مرا طرد کردند و حتی یک زنگ به من نمی‌زدند که مبادا از آنها کمک بخواهم و دیگر چاره‌ای جز خودکشی ندیدم.

نگاه کارشناسی

زینب حمزه لویی، کارشناس ارشد روانشناسی یکی از مهم‌ترین مسائلی که اکنون با آن مواجه هستیم، طلاق است که فرد را با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌کند. از عوامل مهم زمینه‌ساز آسیب در مورد این خانم، از دست دادن سلامت روحی و جسمی به خاطر بیماری است و کمبود محبت و عدم ارضای نیازهای عاطفی نیز زمینه‌ساز آسیب بیشتر وی را فراهم کرده و همچنین مشکلات مالی بسیار زیاد او را آسیب‌پذیرتر کرده است. باید توجه داشت افرادی که دست به خودکشی می‌زنند، آدم‌های پدیدینی هستند که برایشان زندگی کابوس جهنمی است و فرد به این باور غیرمنطقی می‌رسد که خیال می‌کند حال او وضعیتش از آنچه هست، بهتر نمی‌شود و آینده دردناکی در انتظارش است. احساسی غیرواقع که راه‌گرا نیست و نتیجه می‌گیرد مشکلات حل‌نشده‌اش را تحمل ناپذیر است و جز خودکشی راه نجاتی ندارد. لذا عدم انتخاب درست همسر، طرد شدن از طرف خانواده و نداشتن یک حامی و راهنما باعث شده نیازهای روانی این فرد تأمین نشود و احساساتی مثل درماندگی، تنهایی و نداشتن هم‌صحبیتی که بتواند با او مشکلاتش را مطرح کند، موجب رشد آشفتگی‌های ذهنی و تفکرات منفی در او شده که وی بپشت و احساس یأس و درماندگی کرده است. عدم حمایت روحی فرزندان از مادر با توجه به اینکه مادر حمایت همه‌جانبه از فرزندان نموده، موجب شده مراجع دچار افسردگی شدید شود و همچنین عدم توان کار و خسته شدن از کار نگهداری و اینکه دیگر برای وی با این شرایط کاری نیست، باعث شده افکار خودکشی را در سر پروراند.

عوامل اجتماعی چون بیکاری، عدم تأمین مخارج زندگی، پر هزینه بودن درمان، عدم حمایت مسئولان از این‌گونه افراد و نداشتن مکانی برای زندگی، این فرد را دچار بحران کرده و باعث شده خودکشی را برای فرار از مشکلات انتخاب کند.